



مراتب عالم هستی از دید فلاسفه و عرفا؛ از ناسوت تا هاهوت

عرفا و فلاسفه مراتب عالم هستی را عالم ملک یا جهان مادی و جسمانی، عالم ملکوت یا جهان برزخی، عالم جبروت یا عالم فرشتگان مقرب، عالم لاهوت یا عالم اسماء و صفات الهی و عالم هاهوت یا ذات که همان مرحله غیب الغیوب ذات باری تعالی دانسته اند.

عرفا و فلاسفه مراتب عالم هستی را عالم ملک یا جهان مادی و جسمانی، عالم ملکوت یا جهان برزخی، عالم جبروت یا عالم فرشتگان مقرب، عالم لاهوت یا عالم اسماء و صفات الهی و عالم هاهوت یا ذات که همان مرحله غیب الغیوب ذات باری تعالی دانسته اند.

عرفا و فلاسفه الهی برای عالم هستی مراتبی قائلند و جهان را دارای مراتب می دانند و برای هر مرتبه نامی تعیین کرده اند. این مراتب عبارتند از "عالم ناسوت" که مراد همین عالم دنیا و همین عالم مادیات و اجسام است که پست ترین و نازل ترین عوالم است. دنیا را دنیا می گویند چون پست تر از همه عالم هاست و نیز دنیا را دنیا می گویند چون به انسانها از عالم آخرت نزدیکتر است.

عالم بعدی "عالم ملکوت" است که عالم بالاتر از عالم ناسوت است. ملکوت دارای دو مرتبه اعلا و اسفل است. ملکوت اعلا مربوط به نفس کلیه است، یعنی نفوسی که دایره وجودی آنها بسیار وسیع است و احاطه وجودی آنها بسیار زیاد است. ملکوت اسفل مربوط به نفوس جزئی است، یعنی نفوسی که چندان سعه وجودی ندارند و احاطه وجودی آنها بسیار محدود است مانند نفوس انسانهای معمولی.

از آثار بزرگ فلسفه و عرفان به دست می آید که نظرشان در خصوص مبدا نشأت نفوس متفاوت است. گروهی نفس را از موجودات ماورای ماده می دانند، یعنی موجودی که مستقل و در عالم خارج از ماده به وجود آمده است، اما دست قدرت الهی طبق مصالح کلی جهان، آن را از عالم ملکوت به عالم ناسوت نزول داده و در قفس تن زندانی کرده است یا همانند پادشاهی بر کشور تن حکومت داده است و پس از خاتمه ماموریت و انجام وظایف محوله خود، دوباره به موطن اصلی خود باز می گردد.

ابن سینا بر این نظریه مهر صحت نهاده و نظریه دیگر، نظر ملاصدرا شیرازی است و به طور کلی پیروان حکمت متعالیه آن را پسندیده اند و به نظر می رسد که این نظریه، دقیق تر و به واقعیت نزدیک تر است. در این نظریه، نفس در بدو امر، موجود مستقل ماورای ماده نیست، بلکه از ماده نشأت گرفته و از ماده متولد شده است و به تعبیر صدر الدین، محصول عالی ماده است، مانند میوه ای که از درخت متکون و متولد می شود با این تفاوت که درخت و میوه، هر دو مادی اند، اما نفس با این که میوه طبیعت است مافوق ماده و برتر از عالم ماده است. گفتنی است که برای اثبات مدعا، راه درازی باید پیمود. همچنین شایان ذکر است که این دو نظریه قابل جمع است.

عالم بعد از ملکوت عالم جبروت است. این عالم، عالم عقول است و مربوط است به عالم ابداع. مجردات و مبدعات، موجوداتی هستند که هم از نظر ذات مجردند و هم از نظر فعل.

عالم لاهوت، عالم بعدی است که عالم اسما و صفات الهی و عالم مظاهر و جلوه گاه های جل و علاست. در این عالم حق تبارک و تعالی، در اشکال و انحای مختلف، یعنی در جلوه گاههای علم، قدرت، اراده، خلق، رزق و غیره متجلی می شود و این عالم، عالم ظهور و بروز حق جلت عظمت است.

نهایتا عالم ذات الوهیت یا به تعبیر برخی، عالم هاهوت، یعنی عالم ذات حق تعالی است. در این عالم که خارج از همه عوالم است فقط هویت ذات الهی مطرح است. هیچ ملک مقرب و هیچ پیامبر مرسلی آن را درک نکرده و در آن راه نیافته است. بیان پیامبر اسلام (ع) که فرمود: "ما عرفناك حق معرفتك" اشاره به این عالم است.